



یکسانی گوهر وجودی انسانها ابطال سلطه طلبی را اثبات می‌کند

یک استاد حوزه علمیه با اشاره به اصل برابری انسان ها در قرآن تاکید کرد: براساس آیات قرآن وقتی حقیقت وجودی انسان ها یکی است وجهی برای سلطه طلبی فردی بر دیگران وجود ندارد.

یک استاد حوزه علمیه با اشاره به اصل برابری انسان ها در قرآن تاکید کرد: براساس آیات قرآن وقتی حقیقت وجودی انسان ها یکی است وجهی برای سلطه طلبی فردی بر دیگران وجود ندارد.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام محمد سروش محلاتی عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در همایش بین المللی حقوق عمومی در قرآن کریم که دوشنبه 15 آبان ماه 91 در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد، به ارائه مقاله خود با عنوان «#171؛ اصل برابری در قرآن کریم» پرداخت.

وی گفت: یکی از حقایقی که در قرآن بر آن تاکید شده، آن است که همه انسانها از یک حقیقت آفریده شده اند این حقیقت در آیات متعددی از قرآن وجود دارد و این آیات متضمن دو نکته است. اول اینکه نسل انسان ها به یک پدر و مادر منتهی می شود و دیگر آنکه گوهر وجودی انسان ها یکسان است و همه در حقیقت انسانی با هم مشترک هستند ولی سوالی که مطرح می شود این است که آیا اشتراک افراد بشر در حقیقت انسانی تاثیری در برابری حقوق آنها هم دارد، یا خیر؟ قرآن مبنای تساوی انسان ها را مطرح فرموده اما آیا آثار و نتایج حقوقی هم بر این مبنا می توان مترتب کرد؟ براساس نظر همه مفسران جواب مثبت است یعنی آفرینش یکسان انسان ها متضمن آثار حقوقی و اخلاقی هم هست.

سروش محلاتی با اشاره به آیات قرآن افزود: از آنجا که همه انسان ها از یک حقیقت هستند پس جایی برای اینکه عده ای متکبرانه با دیگران مواجه شوند، وجود ندارد. بر اساس آیات قرآن برهان ابطال سلطه طلبی این است که وقتی حقیقت گوهر وجودی انسان ها یکی است وجهی برای بالا بودن کسی بر دیگری نیست مگر اینکه به همان مقدار که خواسته و اراده فردی مورد توجه است خواسته و اراده دیگران نیز مورد عنایت باشد تا نظام اجتماعی بتواند استقرار پیدا کند.

وی تاکید کرد: برای اینکه نظام اجتماعی سامان پیدا کند این رابطه یکسویه نیست که از یک طرف اعمال سلطه باشد و از طرف دیگر خواست دیگران هیچ جایگاهی نداشته باشد. از این منظر بحث امامت، حاکمیت و ولایت تفسیر خاصی پیدا می کند.

عضو هیات علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه گفت: خداوند در قرآن بعد از اینکه حقیقت مشترک همه انسان ها را مطرح می کند می فرماید عمل هیچ کدام از شماها تضییع نمی شود. علامه طباطبایی با اشاره به این آیه می فرماید جامعه ای که از انسان ها تشکیل می شود هیچ یک از آحاد مردم در این جامعه دارای امتیاز نیستند. آن مبنایی که در جهان شناسی و انسان شناسی در زمینه حقیقت وجود انسان است، می تواند تاثیراتی داشته باشد که در قرآن بدان اشاره شده است.

وی تأکید کرد: برخی از امتیازاتی که ما فکر می کنیم در قرآن است این امتیازات به حقوق ارتباط ندارد مثل آیه «#171؛ ان اکرمکم عند الله اتقاکم»؛ تقوا امتیاز انسان در نزد خداست ولی تفاوت بین انسان ها در زندگی اجتماعی را با این آیه نمی توان اثبات کرد.

حجت الاسلام سروش محلاتی یادآور شد: در قرآن کریم مسئله برابری انسان ها به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم مطرح شده است. در یک دسته از آیات برابری به اثبات می رسد و در دسته دیگر از آیات به تفاوت ها اشاره می شود. در آیاتی که برابری انسان ها مطرح شده است برابری حقیقی و برابری حقوقی مورد تأکید قرار گرفته است.

وی افزود: در برابری حقیقی مورد نظر قرآن برابری در آفرینش، برابری در جوهر انسانیت و برابری در امکان رشد و تکامل مورد اشاره قرار گرفته است. در برابری حقوقی مورد نظر قرآن بحث نفی تبعیض نژادی، نفی تبعیض طبقاتی، نفی حق ویژه از صاحبان قدرت و نفی قدرت در حقوق اجتماعی مورد تأکید قرار می گیرد.

این استاد حوزه به آیاتی که ناظر به تفاوت انسانهاست، اشاره و تصریح کرد: قرآن با صراحت در برخی از آیات، برابری را نفی می کند که گاه جنبه اخلاقی و گاه جنبه حقوقی داشته و یا به تفاوت ها اشاره دارد که تفاوت به دلیل تفاوت عقلی (محجور و غیرمحجور)، تفاوت به دلیل جنسیت (زن و مرد)، تفاوت ایمان (مسلمان و کافر)، تفاوت در حریت (آزاده و بنده) مطرح می شود.

حجت الاسلام سروش محلاتی یادآور شد: سوال اساسی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا این تفاوت ها که در قرآن بدان تصریح شده با مبنای برابری انسانها سازگار است؟ در اینجا دو تحلیل متفاوت می توان ارائه کرد. اول تحلیلی که برابری را بر مبنای

تشابه می داند و آن را اصلی استثنای پذیر تلقی می کند و لذا موارد ذکر شده را به عنوان استثنا بر قاعده برابری می شمارد. تحلیل دوم آنکه برابری را به معنای برابری و آن را اصلی بدون استثنا می داند و لذا موارد ذکر شده را تفاوت هایی می داند که با برابری منافات ندارد. تحلیل اول مبتنی بر دیدگاه تعبدی به موضوع است که با نسبت عام و خاص، تنافی را قابل حل می کند، ولی تحلیل دوم مبتنی بر دیدگاه عقلی است و برابری را از [#171«فروع عدالت](#) می داند و معتقد است نابرابری تبعیض آمیز با عدالت سازگار نیست ولی تفاوت های متوازن و متعادل همسو با عدالت است.